

پاسخ به پرسشهایی درباره موضع من درباره خداوند و برهانهای اثبات وجود او

پاسخ حمیدرضا آیت الهی به پرسشهای اوژنی لوگینوف

ایمیلی از دکتر اوژنی لوگینوف دریافت کردم که در آن او از من خواست تا به سوالاتی در مورد پروژه او در مورد یافتن مواضع فیلسوفان مشهور در مورد استدلال های وجود خدا به شرح زیر پاسخ دهم:

جناب استاد آیت الهی

نام من اوژنی لوگینوف است که برای مرکز مطالعات آگاهی مسکو و دانشکده فلسفه دانشگاه دولتی لومونوسوف مسکو کار می کنم
در حال تهیه کتابی درباره دلایل اثبات یا رد وجود خدا هستم. ایده کتاب انتشار دیدگاههای فیلسوفان مختلف در مورد ۶ سوال درباره وجود خداست. اکثر مشارکت کنندگان در فلسفه دین تخصص دارند، اما نه همه، برخی از آنها از متافیزیکدانان، فیلسوفان اخلاق، معرفت شناسان، مورخان فلسفه یا منطق دانان هستند. من می خواهم تصویر کامل و متنوعی را در مورد این موضوع کلاسیک ارائه کنم و برخی از مبانی تجربی را برای پاسخ به سؤالات درباره آنچه امروز در این زمینه وجود دارد و چه چیزی نیست ایجاد کنم. من می خواهم ابتدا نسخه روسی کتاب را منتشر کنم و سپس اگر امکان داشته باشد نسخه انگلیسی آن را منتشر کنم. تاکنون ۱۷۲ فیلسوف در این پروژه شرکت کرده اند. در میان آنها افراد کاملاً مشهوری مانند دانیل دنت، وادیم واسیلیف، ریچارد سوینبرن، گراهام هارمن، پیتر ون اینواگن، لیندا زاگربسکی، جان میلبنک و همچنین نویسندگان تازه کار وجود دارند.
شاید شما لطف کنید که به این پروژه بپیوندید؟ ممکن است چند سوال در مورد موضوع از شما بپرسم؟

سوالات زیر با پاسخ های من در مورد موضع من در این زمینه به شرح ذیل است:

۱- موضع شما در مورد ایده کلی استدلال آوردن برای وجود خدا چیست؟ به نظر شما اصلاً معتبر است؟ چرا؟

اگر باور به وجود خداوند در حد باور به یک پدیده فیزیکی باشد که تغییری در زندگی من ایجاد نکند، یک امر حاشیه ای در باورهای من خواهد بود. اما اگر باور به خداوند بر اساس تعریفی که از خداوند داریم به گونه ای باشد که مسئولیتی برای من نسبت به او ایجاد می کند و در سرنوشت اساسی زندگی من اثر داشته باشد و باعث شود به باوری برسم که بر اساس آن لحظه لحظه زندگی من مورد ارزیابی و پاداش و کیفر ذاتی قرار گیرد و اعتقاد به آخرت یکی از لازمه های آن باشد در آن صورت هیچ مساله ای در زندگی مهم تر از تعیین تکلیف نسبت به اعتقاد به وجود خداوند نخواهد بود. به همین جهت هر فرد، متناسب با ظرفیت و توانایی توجیه پذیری اقناعی اش باید بتواند نشان دهد که

متعلق این باور یک امر حقیقی است و نمی تواند خرافی یا دلبخواهی و یا اتفاقی باشد. لذا نه تنها باید به وجود خداوند بلکه به نوع رابطه او با انسان و جهان نیز باور موجهی داشته باشد.

اهمیت استدلال آوردن برای وجود خداوند به این جهت است: ما آگاهانه و یا ناخودآگاه انبوهی از باورها را داریم که هریک یا مجموعه ای از آنها جهت دهنده به تک تک فعالیت‌های ما هستند. انسان به تجربه دیده است نتیجه برخی فعالیت‌هایش که ناشی از این باورها بوده اند یا به ضرر او یا بیفایده بوده است لذا به تجزیه و تحلیل آنها می پردازد و بدنبال منطقی می گردد که بتواند نشان دهد کدام باور از اساس درست یا مفید بوده است و کدام یک مضر و بیفایده. توانمندی عقل چنان است که تجزیه و تحلیل خوبی از بررسی باورها داشته باشد. این توانایی عقل در بهترین حالتش در استدلال عقلی برای توجیه یک باور متجلی می گردد. در نتیجه چون انسان برای موجه ساختن هر باوری یک منطقی یا مسیری مطمئن را باید بییماید که استدلال، مهم ترین آنهاست، لذا باید برای موجه ساختن باور به وجود خداوند نیز سطوح مختلف استدلال را بکار گیرد تا مطمئن شود فعالیت‌هایش بر مبنای باورهای درستی جهت گیری شده است و از این بابت ضرری متوجه او نخواهد بود.

در نظر من رویکردهایی که در باور به خداوند یا عقل ستیز هستند یا عقل گریز همانند ایمان گرایان رویکرد مطلوبی نیست و با مشکلات متعددی مواجه است.

۲- اگر می خواستید وجود خدا را اثبات کنید (یا ادعایی علیه وجود آن مطرح کنید)، از چه تعریفی از مفهوم "خدا" استفاده می کردید؟ به نظر شما آیا تعریف کلاسیک "خدا" به عنوان "همه خوب، عالم و قادر مطلق و خالق جهان" هنوز تعریف مناسبی است؟

از نظر من، این تعریف به اندازه لازم مناسب نیست چرا که انواع برداشت‌ها مثلا از معنای خالق وجود دارد. لذا اجزای تعریف باید شکافته شود و معنای دقیق هریک روشن گردد. معمولا شروع برهانها با این تعریف آغاز می شود که به علت ابهام بسیار در اجزای تعریف، انتظارات نابجا از برهانها بوجود می آورد یا نتایج نامشخص و یا پارادوکسیکال از برهانها بدست می آید.

من این تعریف را با اندیشه های اسلامی و نگرش های فلسفه اسلامی مناسب نمی دانم.

خدا را باید بگونه ای تعریف کرد که هم صفات ذاتی او را در بر بگیرد و هم صفاتی که ارتباط او را با سایر موجودات مخصوصا انسان نشان می دهد.

بنظر من خداوند وجود محض است که تمامی صفات کمال را همچون قدرت و علم و عدالت و خیر به تمامه داراست. او خالق ما و جهان است؛ بدین صورت که وجود هر موجود دیگری مخصوصا انسان بطور کامل به او وابسته است. یکی از بهترین تشبیه ها (نه از هر جهت) برای نسبت او به عالم تا حدی شبیه نسبت ما و صورتهای خیالی ماست. همانگونه که صورتهای خیالی ما در هر لحظه وابسته به ما به عنوان بوجود آورنده آن است و علم ما و قدرت ما و حضور ما در تمامی لحظات بر آن صورت خیالی جاری است می توان گفت علم و قدرت و حضور خداوند بر ما و جهان ما نیز می تواند اینگونه باشد. وجود سایر موجودات که از بخشندگی او ناشی شده است در هر لحظه وابستگی محض به او دارد. هر تغییر و امکان تغییری در عالم به او وابسته است.

او همچنین مالک مدبر همه چیز و هر چیزی و هر کسی در جهان است. خداوند برقرار کننده نظام پاداش و کیفر اعمال ما در دنیا و آخرت است.

در معرفت‌مان به او باید توجه داشته باشیم که نمی توانیم به درک کاملی از وجود و صفات او برسیم لذا با اینکه می توان این صفات را به او نسبت داد ولی او برتر از هرگونه مفهومی است که از این صفات داریم. چون با توان محدودمان

کمالاتی را به او نسبت می دهیم که در سایر موجودات می یابیم اما درک ما همواره با نقص و پلیدی آمیخته است لذا همواره باید تاکید کنیم که کمالات او از هرگونه نقص و پلیدی مبرا و پاک است تا بتوانیم هرچه بیشتر به معرفت‌مان به او نزدیک تر شویم.

درباره نسبت ما با او باید گفت او باید تنها مرجع و جهت فعالیتها و افکار ما باشد و در تمامی کارهایمان تنها دل‌بستگی ما باشد و سایر دل‌بستگی هایمان در این جهت معنا پیدا کند.

بخشندگی و مدبر بودن او اقتضا می کند که بگونه ای بشر را برای بهترین زندگی راهنمایی کند. او بخشندگی و مهربانی مضاعفی دارد که شامل مومنان (کسانی که در مسیر او فعالیت می کنند) برای ارتقاء معنوی شان می گردد، همچون پالایش آن مومنان از موانعی که خود در برابر اعتلای بیشترشان بوجود آورده اند، یا یاری غیر عادی آنها که در ادبیات غرب به آن معجزه می گویند و یا صورتهای دیگر. بهترین تعریف ها را خود خداوند از خودش کرده است که عناصر تعریفی که گفته شد از آن گرفته شده است. پس خداوند:

- ۱- وجود محض دارای تمامی کمالات است
 - ۲- خالق و بخشنده جهان و جهانیان به این معناست که همه موجودات در هر لحظه و موقعیتی وابستگی تمام به او و لطف او دارند، پس به هر چیز در عالم بطور تام هم علم دارد و هم قدرت.
 - ۳- منشا هرگونه تغییر یا امکان تغییری در عالم است
 - ۴- مالک و مدبر هرچیز در عالم مخصوصا انسان است
 - ۵- برقرار کننده نظام پاداش و کیفر در دنیا و آخرت است
 - ۶- مبرا از هرگونه نقص و پلیدی است که محدودیت های ما به کمالات او نسبت می دهد.
 - ۷- دارای بخشندگی خاص به مومنان است
- بنظر من، برهانی معتبر است که بتواند اینگونه خدایی را با تمام این ویژگی ها به اثبات برساند.

۳- کدام یک از استدلال های مختلف برای وجود خدا (با ادعایی علیه وجود او یا او) را معتبرترین و/یا جالب ترین استدلال می دانید؟

اغلب برهان های اثبات وجود خداوند در قالب درون گرایی معرفتی بیان شده است. بنظر من در این بستر، برهان های امکان و وجوب (نه جهان شناختی)^۱ و برهان صدیقین^۲ و نحوه بسیار خاصی از برهان وجودی معتبر هستند. استدلال نظم در صورت بندی تنظیم دقیق، توجیه خوبی می تواند برای شعور خداوند و وجود او باشد ولی این استدلال در حد شواهدی بر وجود خداوند است. استدلال نظم اگرچه استدلالی است که اغلب مردم بدور از پیچیدگی های فلسفی می توانند دست یابند ولی از تبیین بسیاری از وجوه خداوند ناتوان است. بنظر من برهان تجربه دینی فقط می تواند بیان کند که امری الوهی باید باشد ولی نمی تواند استدلالی بر خدایی با ویژگی های ادیان توحیدی باشد.

^۱ - برای تفاوت برهان جهان شناختی و برهان امکان و وجوب ببینید: آیت اللهی، حمیدرضا «تحلیلی از برهان های جهان شناختی و مقایسه آن با برهان امکان و وجوب در فلسفه اسلامی»، صص ۹۵-۱۱۲.

²See: Ayatollahy, Hamidreza, *The Existence of God, Mulla Sadra's Seddiqin Argument versus Criticisms of Kant and Hume*,

من برهانهای حدوث عالم، برهان جهان شناختی در صورت بندی های آکویناس و لایب نیتز و کاپلستون، برهان وجودی در صورت بندی دکارت و آنسلم، جهان شناختی کلام، اخلاقی، معجزه، سودمندی و شرطیه پاسکال را نتیجه بخش نمی دانم.

اگر در قالب برون گرایی معرفتی به بررسی موجه سازی وجود خداوند بپردازیم با تبیین پلنتینگا و آلستون مواجه می شویم، ولی صورتبندی تبیین آنها، بنظر من، در بهترین حالت فقط می تواند وجود امر الوهی را تضمین نماید و نتیجه گیری خدای مسیحی و اسلامی از آن بر نمی آید.

اما من در قالب برون گرایی معرفتی، نوع جدیدی از تبیین ارائه کرده ام که مبتنی بر معرفت شناسی برونگراییانه بر اساس شنیده های اطمینان یافته است^۳ که بنظر من می تواند توجیه بسیار خوبی (حتی ملموس تر از برهانهای قبلی) برای موجه سازی وجود خداوند با تمام ویژگی هایی باشد که درباره خداوند در جواب پرسش قبل گفته شد. من استدلالهایی که علیه وجود خداوند در قالب های مختلف تا کنون ارائه شده است مثل شر، اختفای الهی، علم... را معتبر نمی دانم.

۴- نظر شما در مورد اهمیت اثبات وجود خدا (یا ادعایی علیه وجود او) در تاریخ فلسفه، علم، دین و به طور کلی فرهنگ چیست؟

- از آنجا که فلسفه، بدنبال درک عمیق عالم در برترین معنایش است، مفاهیمی که او را به این مرزهای فکر بشری نزدیک می کند نقش مهمی در آن خواهد داشت. درک خداوند و حقیقت او مستلزم درک مفاهیم عمیقی است که فلسفه نیز بدنبال آن است. به همین جهت تبیین خداوند، فیلسوفان را به برترین درک ها از عالم نزدیک تر می کند. عناصری که برای تبیین خداوند بکار رفته است کمک شایانی به فلسفه ورزی فیلسوفان (نه درباره خداوند بلکه درباره سایر ویژگی های عالم) نموده است. بنظر من هر فیلسوفی هرچند که کاملاً ملحد باشد نیاز دارد با مفهوم خداوند و نحوه موجه سازی وجود او درگیر گردد تا بتواند به عمق نگاه فلسفی خود بیفزاید. به همین جهت شاید فیلسوفی را پیدا نکنیم که در این باره حرف نزده باشد و موضع خود را علیه یا بنفع آن مشخص نکرده باشد.
- در تاریخ علم، زمانی که علم، شان خود را فقط در حد تبیین پدیده های فیزیکی عالم دانسته است و بدنبال آن نبوده است که به علت موفقیت‌هایش در تبیین ویژگی های علمی عالم، در حیطه های دیگری همچون وجود خداوند نظر دهد نیازی به طرح برهان های اثبات وجود خداوند و تبیین او در عالم نداشته است. ولی زمانی که خواسته است علی رغم محدودیت‌هایش، نسبتش را با خداوند و آموزه های دینی مشخص کند نیاز به تعیین این نسبت داشته است و در نتیجه نه تنها برهانهای وجود خداوند نیاز بوده است بلکه باید نسبت یافته های علمی با برخی دیگر از آموزه های دینی را تشریح می کرد. عملاً نیز دخالت‌های نابجای دانشمندان در نفی یا اثبات باورها و آموزه های دینی و دخالت‌های نابجای اندیشمندان دینی در رد یا اثبات یافته های علمی موجب تعارض هایی بین آنها شده است.
- درباره نقش برهان های اثبات وجود خداوند در تاریخ معرفت دینی، معتقدم از آنجا که دین ابعاد گوناگونی همچون اخلاقی، اعتقادی، مناسکی، عرفانی و عقلی دارد و برهان های اثبات خداوند بیشتر با وجوه عقلی دین

۳- آیت الهی، حمیدرضا، «موجه بودن باور متداول به خداوند بر اساس معرفت شناسی مبتنی بر شنیده های اطمینان یافته»

سروکار دارد لذا این برهانها فقط در این حیطة فعال بوده اند و برای وجوه دیگر به عنوان پیش درآمد بوده اند. اما زمانی که برهان های وجود خداوند و تبیین های عقلی می خواسته اند در محدوده سایر وجوه دین دخالت کنند مطرود آنها گشته اند.

۵- یک عقیده رایج وجود دارد که نقد کانت از استدلال هایی که به آن ها آگاهی داشت، چنان ویرانگر بود که پرسش از برهان آوری برای وجود خدا دیگر از نظر فلسفی قابلیت طرح نداشت. موافقید؟ چرا؟

نقدهای کانت به برهانهای زمان خودش همچون برهان های وجودی و جهان شناختی نقدهای بسیار دقیق و عالمانه است. در این نقدها دقت های عمیق فلسفی وجود دارد که حتی توانسته است در فلسفه ورزی دوران خودش و پس از آن تاثیر بگذارد. از آنجا که نگرش فلسفی دوران او و حتی خود او متأثر از تجربه گرایی بود در آن صورت توجیه امری تجربه ساز با مبانی تجربی دچار اشکالات کانت می گردید. با نگاه فنومنی به عالم که مفاهیم علیت، وجود و ضرورت را در داخل مقولات فاهمه تبیین می کند نمی توان امری غیر فنومنی (منظور فنومنی نیست بلکه فراتر از آن است) همچون خداوند را موجه ساخت. نقطه عزیمت کانت فنومن ها بوده است و با این مسیر درصدد بود مفاهیم محض عقلی را بدست آورد. او بخوبی می گوید با علیتی که درون فنومن ها است نمی توان یک نومن در اصطلاح او را به عنوان علت جهان توجیه کرد.

اما اگر نقطه عزیمت اولیه ما عقل محض باشد و علیت، وجود و ضرورت را از مفاهیم عقلی صرف بدانیم که بر عالم فنومن ها هم جاری است در آن صورت بخوبی می توان بدون گرفتار آمدن در نقدهای کانت، برهان آوری عقلی معتبری بر وجود خداوند ارائه کرد. به همین جهت فیلسوفان اسلامی معاصر همچون جوادی آملی با بهره گرفتن از نوع نگاه غالب در فلسفه اسلامی، مسیر برهان آوری را بر اثبات وجود خداوند بگونه ای دیگر رقم زده اند که در آن صورت هیچیک از اشکالات کانت به آن وارد نخواهد بود^۴. در نتیجه هرگونه برهان آوری بر وجود خداوند در بستر تجربه اندیشی نمی تواند از نقدهای کانت مصون ماند و از این مسیر هرگونه راهی برای اثبات وجود خداوند بسته خواهد بود. مگر آن که بستر بحث را از نگرش تجربه محور به نگرش عقل محور تغییر دهیم که بستری متفاوت خواهد بود و بنظر من بخوبی می تواند منتج باشد.

۶- به نظر شما مهم ترین متن (یا متون) برای درک مساله مورد نظر کدام است؟

متون موجود در غرب که درباره برهانهای اثبات وجود خداوند به صورت یک کتاب یا بخشی از یک کتاب منتشر شده است بسیاری از اندیشه های اسلامی مخصوصا صدرائی را که ادبیات غنی در فارسی و عربی دارد مورد توجه قرار نداده اند. لذا آن متون را برای این بحث کافی نمی دانم. با ملاحظه مطلب پیش، کتاب آیت الله عبدالله جوادی آملی با عنوان *تبیین براهین اثبات خدا* که به فارسی است بهترین کتاب در این زمینه می دانم. در این کتاب کلیه برهانهای اثبات وجود خداوند در تاریخ اندیشه اسلامی و همچنین اینگونه برهانها در فلسفه دین غربی بررسی شده است.^۵

^۴ - ببینید: جوادی آملی (۱۳۸۴) *تبیین براهین اثبات خدا*. صص ۱۵۳-۱۶۹ و ۱۹۹-۲۰۷

^۵ جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴) *تبیین براهین اثبات خدا*. قم: مرکز نشر اسراء.

با توجه به عدم آشنایی فیلسوفان غربی با برهان متفاوت صدیقین، من نیز کتابی به زبان انگلیسی منتشر کرده ام که در آن ضمن تبیین برهان صدیقین، نشان داده ام چرا اشکالات کانت و هیوم به این نوع برهان آوری برای وجود خداوند نمی تواند وارد باشد.^۶

در بخشی از کتاب من با عنوان *سنجه هایی در دین پژوهی معاصر* (که به زبان روسی نیز ترجمه شده است)^۷ به «مقایسه برهان های اثبات وجود خداوند در دو سنت غربی و اسلامی» پرداخته شده است.^۸ همچنین در یک درسگفتار ده جلسه ای کلیه برهانهای اثبات وجود خداوند در تفکر غربی و اسلامی را تشریح کرده ام و با تجزیه و تحلیل منطقی نشان داده ام کدام یک معتبر هستند و کدام یک نامعتبر. این درسگفتارها که به زبان فارسی است در فضای مجازی مثل یوتیوب^۹ و آپارات^{۱۰} چند صد بار دیده شده است.

⁶ -Ayatollahy, Hamidreza (2005) *The Existence of God, Mulla Sadra's Seddiqin Argument versus Criticisms of Kant and Hume*,

⁷- Хамид Реза Аятоллахи *Современное религиозоведение*, P.8-86,

^۸ آیت اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۲) *سنجه هایی در دین پژوهی معاصر*، صص ۶۲-۱۳۵

⁹ <https://www.youtube.com/playlist?list=PLgS40t78Ru1uuGDDYqMFcman8-TIM0A0U>

¹⁰ -<https://www.aparat.com/hamidrezaayatollahy> و <https://www.aparat.com/playlist/123801>

منابع:

آیت اللهی، حمیدرضا (۱۳۸۵) «[تحلیلی از برهان های جهان شناختی و مقایسه آن با برهان امکان و وجوب در فلسفه اسلامی](#)» *قبسات*، فصلنامه علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۵، صص ۹۵-۱۱۲. [\[لینک آکادیا\]](#) [\[لینک\]](#)

[سایت شخصی\]](#)

آیت اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۲) *[سنجه هایی در دین پژوهی معاصر](#)*، (تصنیف) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲

[\[لینک آکادیا\]](#)

آیت اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۹) «[موجه بودن باور متداول به خداوند بر اساس معرفت شناسی مبتنی بر شنیده های اطمینان یافته](#)»

پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، سال ۱۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ صص ۲۴۶-۲۲۷.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴) *تبیین براهین اثبات خدا*. قم: مرکز نشر اسراء.

Ayatollahy, Hamidreza (2005) *[The Existence of God, Mulla Sadra's Seddiqin Argument versus Criticisms of Kant and Hume](#)*, Sadra Islamic Philosophy Research Institute (SIPRI) Publication, Tehran. [\[link in Academia\]](#)

Аятоллахи, Хамид Реза (2015) *[Современное религиозоведение](#)*, Москва, 2015. P.8-86, This book is the Russian translation of "Evaluations in Contemporary Religious Studies". [\[link in Academia\]](#)

<https://www.youtube.com/playlist?list=PLgS40t78Ru1uuGDDYqMFcman8-TIM0A0U>

<https://www.aparat.com/hamidrezaayatollahy> و <https://www.aparat.com/playlist/123801>